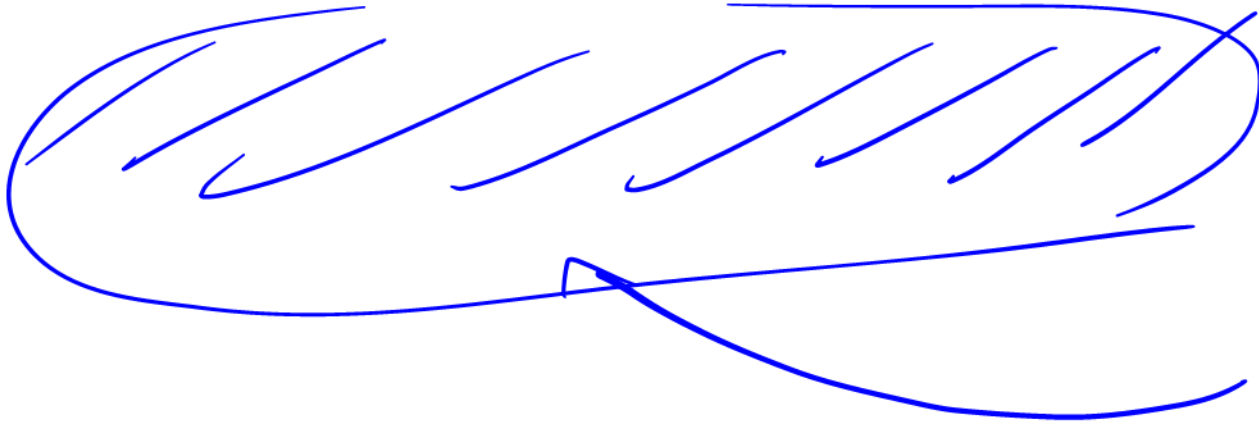


براملون

موبل - فندو



اصل مسئلہ استزائی

مساوی

عامیان طری سے مسئلہ تفاسی

لم استثناء

خاصیان عرضی
اے حیدنز با مسارت ہم مالی راعصب می کنند

در کنار هم

در خصوص مل منتول

زار وحدت رویہ اے اگر حیدنز با مسارت ہم مالی راسرت کنند
مذلت فر کلام اے بہ میزان مالی نہ تحصیل کردہ (تفاسنی نسبت)

در برابر مالک

اے اگر ندانیم حیدر تحصیل کردہ اند؟

اے امل مسئلہ اشتراکی (مسادی)

خاصان عرضی - در مال غیر منتقل

لے صرّف تضافتی

غائبان عرضی

۸- سعید و مسعود با مشارکت هم تخته سنگی را غصب می کنند و آن را به حمید می فروشند. حمید تخته سنگ را

تلف می کند. در فرض قیمی بودن آن مالک چه حقی دارد؟

(۱) می تواند کل قیمت را از هر یک از سعید، مسعود و حمید متضامناً مطالبه کند. +

(۲) می تواند از هر یک از سعید و مسعود نیمی از قیمت و از حمید کل قیمت را مطالبه کند. ✓

(۳) می تواند از هر یک از سعید، مسعود و حمید ثلث قیمت را مطالبه کند. ✗

(۴) می تواند از هر یک از سعید و مسعود کل قیمت را متضامناً مطالبه کند و در فرض علم حمید او نیز دارای مسئولیت ✗

تضامنی است.

استرایی

«علم نیست»

۱۰۰٪ سند تلف شده

«حمید»

—



۵٪

۵٪

«سند استرایی»

غیر متدل

- «الف» و «ب»، به نحو عدوان، آپارتمان متعلق به «ج» را تصرف می کنند. بر اثر تقصیر مالکان ملک مجاور (سازندگان) که سه نفرند و در حال ساخت ملک خود هستند، آپارتمان متعلق به «ج» فرومی ریزد. ضمان ناشی از تلف عین، بر عهده چه شخص یا اشخاصی است و به چه نحو؟

(۱) فقط سازندگان به صورت اشتراکی

(۲) فقط «الف» و «ب» به صورت تضامنی

(۳) «الف» و «ب» و سازندگان، همگی به صورت تضامنی

(۴) «الف» و «ب» به صورت تضامنی و سازندگان به صورت اشتراکی ✓

سازندگان

لـه غاصب نیستند

مستند استرالی

مساری

غاصب

الف رب

تضامنی

مال تلف شده

غائب (۴)

غائب (۳)

یغفور

غائب (۲)

غار

غائب (۱)

یغفور

مثلاً خریدار قوی

غار

مثلاً فروشنده قوی

غائب ۴ به طالب پرداخت رد می‌کند

اصلاً نمی‌توانست قیسه‌ی را بگیرد

لکه اینجا می‌تواند به غائب ۳ رجوع کند (غار خودی)

غاصب ۳ به مالک پرداخت کرد

الف اصولاً به ایادی مالبعدهی تواند رجوع کند

الف به ۱ نمی تواند رجوع کند چون

غار نمی تواند به مفروض خود پس مراجع کند

الف به ۲ ی تواند رجوع کند

چون مفروض ی تواند به غار خود پس مراجع کند

ایفای نارا

لے

تحوّل دہندہ

=====



با این نرید حکار نیست
مالی بدند

استبأه روم - تصوری مردم مدیون شتم

دریافت کنندہ

بد دریافت کنندہ
صفائی است

در علم عقب

چه بدانند چه ندانند.

مَوْفُوهُ زَمَنُ

 } → باطل
 پُر اید

پُر اید را تحویل می دهم

اینها را روا
له ی در ریاست گذشته صفائی

کھریس مالی را من غیر حق دریانت کنند

بد دریانت کنندہ صفائی است

کہ در حکم عیب

عین - رد عین

آفت زده - مثل یاقوت

هم مسکونات

منافع - هم غیر مسکونات

میسر ضارت، نقص - مشرل چران ضارت

زمان تقریب

اگر دریافت کنند ← معامله ای نسبت به مال بکنند

در عالم به عدم استحقاق

در جامل به عدم استحقاق

فصولی

غیرناقد

اگر دریافت کنند، جامل به عدم استحقاق باشد

(قطعه‌ای استیاز)

می‌تواند هزینه نگهداری از مال را

از مال بگیرد.

استیفاء از عمل غیر

① تحف به در خواست دستور
خرادش +

دیری، کاری انجام دسد

~~سر خود نه~~

② عمل شرع باشد

~~حمل مولد فخر نه~~

عمل عرفاً دارای اجرت باشد

+

③

تحف عادتاً هیای آن عمل باشد

+

اصل عدم تبرع است.

④ عدم قصد تبرع

+

⑤ اجرت یقین نشده باشد

آراء یقین شده

قرارداد صیال، اجاره اشخاص

با جمع شرایط

می تواند اجرت الحمل

محمل خود را بگیرد.

نرخ نامه، تعرفه

لے انگار اجرت یقین شدہ

قرارداد است

استیفاء نیست . الزامات خارج از قرارداد نیست

استینا از مال غیر

① شخص با اذن مالک از مال استفاده کند.

② استفاده از مال، عرفاً دارای اجرت باشد.

③ اذن در انتفاع مجانی نباشد

④ اجرت تعیین نشده باشد

بدون اذن
عصب

با جمع سرائع مالک

می تواند

اجرت المثل استفاده

از مال را بگیرد

ن
اصل بر اجرت بودن

اجرت تعیین شده باشد

فرار داد اجاره اسرار

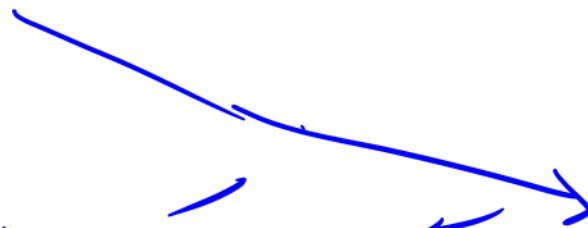
نَرْخِ نَامِد، نَقَرَنَه - انگار اجرت تقین شد.

استدینا - یدامانی است. مسئل تلف یا نقص نیست مگر بقدر یا تو زیاده
اجرت المثل منافع مستوفات

عقب
لا یدصحان
اجرت المثل - هم منافع مستوفات
هم منافع غیر مستوفات.

تاریخ عقد

انتضاء مدت اجاره



اگر با اذن مالک، همضیان استناد کند ← استینا

بعد از انتضاء ←

اگر بدون اذن مالک، همضیان به صرف ادا دهد در علم غف

نظر دیر کا تو زبان

دراچارہ لے اگر مالک با اقتضائیت ، حال را اطلاع نلند

لے ظہور در اذن

انگار اذن داده

در پید امان قرارداداری

له باطالیه مایک و امتناع با امکان رد

بدصفا نی ماسورد.